

فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)

علمی - پژوهشی

سال هشتم - شماره دوم - تابستان ۱۳۹۴ - شماره پیاپی ۲۸

نگاهی انتقادی به تذکره عرفانی «جاذة العاشقین» و معرفی دو عارف گمنام سده دهم

هجری بر بنیاد متن آن تذکره

(ص ۴۶۴-۴۵۱)

عیوض هوشیار (نویسنده مسئول)<sup>۱</sup>، نورالدین مقصودی<sup>۲</sup>

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۴/۰۴/۱

تاریخ پذیرش قطعی مقاله: ۱۳۹۴/۰۵/۲۷

#### چکیده

تصحیح و تنقیح آثار کهن ادب فارسی، همواره یکی از اصلی‌ترین دغدغه‌های صاحبان فرهنگ و ادب ایرانی است. یکی از این آثار کهن، تذکره عرفانی «جاذة العاشقین» است؛ که آشنایی با نسخه خطی این تذکره و مطالعه متن آن، یک سؤال اساسی درباره یکی از شخصیت‌های گمنام عرفان و تصوف در سده دهم هجری قمری پدید آورد که «براستی، کمال‌الدین حسین خوارزمی مذکور در متن این تذکره کیست؟» بنابراین، با همین اندیشه، به پژوهش در مورد آن تذکره پرداخته شد که برآیند آن پژوهش، نشان داد که تذکره «جاذة العاشقین» اثر شیخ «شریف‌الدین حسین خوارزمی» فرزند شیخ «کمال‌الدین حسین خوارزمی» عارف ایرانی سده دهم هجری قمری است؛ این تذکره که تنها سند معتبر در شناسایی هویت این دو شخصیت عرفانی است، تاکنون تصحیح و تنقیح نگشته و در اختیار ادب‌دوستان و عرفان‌پژوهان قرار نگرفته است. بنابراین، نوشتار حاضر، با هدف گزارش تصحیح نسخه خطی تذکره «جاذة العاشقین» به معرفی این دو عارف گمنام بر بنیاد متن این تذکره پرداخته؛ همچنین ارزش و اهمیت تاریخی، ادبی و عرفانی آن تذکره را مورد بررسی و تحلیل قرار می‌دهد.

**کلمات کلیدی:** کمال‌الدین حسین خوارزمی، شریف‌الدین حسین خوارزمی، عرفان قرن دهم، جاذة العاشقین، ارزش ادبی و عرفانی.

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشکده ادبیات و زبانهای خارجی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز.

Eivaz\_Hooshyar@yahoo.com

<sup>۲</sup> دانشیار دانشکده ادبیات و زبانهای خارجی دانشگاه تبریز.

## (۱) پیش‌گفتار

نگارنده سطور به هنگام پژوهش در متون کهن ادب فارسی، به نسخه خطی یکی از آثار ارجمند عرفانی سده دهم هجری قمری با نام تذکره «جاذة العاشقین» برخورد، که همین آشنایی مختصر موجب گردید که به تحقیق و تفحص در باره این اثر و صاحب آن بپردازد؛ تذکره «جاذة العاشقین» اثر شیخ «شریف الدین حسین خوارزمی» فرزند شیخ «کمال الدین حسین خوارزمی» عارف گمنام ایرانی سده دهم هجری قمری است؛ این تذکره که تنها سند معتبر در شناسایی هویت این دو شخصیت عرفانی است، تاکنون تصحیح و تنقیح نگاشته و در اختیار ادب دوستان و عرفان پژوهان قرار نگرفته است. همچنین «کمال الدین حسین خوارزمی» و فرزندش «شریف الدین حسین» دو تن از عارفان سده دهم هجری قمری هستند، که در متون عرفان ایرانی از آنان کمتر و با ابهام، نامی به میان آمده است؛ بطوری که میتوان گفت جای دو حلقه زرین در سلسله عرفان سرزمینمان خالی است؛ بویژه شخصیت نخست یعنی «کمال الدین حسین خوارزمی» در پس‌هاله- ای از وجود دو شخصیت همنام و همشهری خویش قرار گرفته و از دیده تاریخ عرفان و ادب ایرانی نهان و گمنام مانده است.

مطالعه نسخه خطی تذکره «جاذة العاشقین»، یک سؤال اساسی درباره یکی از شخصیت‌های گمنام عرفان و تصوف در سده دهم هجری قمری پدید آورد؛ و آن اینکه «براستی، کمال الدین حسین خوارزمی مذکور در متن این تذکره کیست؟» در نتیجه همین اندیشه، پژوهش در مورد آن تذکره آغاز گردید. بنابراین، نوشتار حاضر، به شیوه نسخه پژوهی و با هدف گزارش تصحیح نسخه خطی تذکره «جاذة العاشقین» به معرفی این دو عارف گمنام بر بنیاد متن این تذکره پرداخته؛ همچنین ارزش و اهمیت تاریخی، ادبی و عرفانی آن تذکره را مورد بررسی و تحلیل قرار میدهد.

تنها ضرورتی که موجب آغاز تحقیق گردید، علاقه مصحح به بازآفرینی آثار کهن فرهنگ ایرانی و معرفی آن آثار به پژوهشگران و دوستداران ادب و عرفان میباشد. همچنین پیشینه پژوهش درباره تذکره عرفانی «جاذة العاشقین» بسیار کوتاه مدت و دامنه تحقیق درباره «کمال الدین حسین» و فرزندش «شریف الدین حسین» بسی محدود و ناچیز است؛ برآستی اگر از یادکرد مختصر و اندک- مایه دو تذکره نویس همعصر «شریف الدین حسین» یعنی «خواجه حسن نثاری بخاری» در تذکره «مذکر احاب» و «سلطان محمد مطربی سمرقندی» نویسنده «تذکره الشعراء»، بگذریم، باید گفت که از این دو عارف، در تاریخ ادب و عرفان ایرانی نامی به میان نیامده است. از محققان و عرفان پژوهان هم روزگار ما نیز تنها مهدی درخشان و نجیب مایل هروری تحقیقات پراکنده و کم دامنه‌ای مرتبط با «کمال الدین، شریف الدین و جاذة العاشقین» انجام داده اند. لیکن، تحقیق

نگاهی انتقادی به تذکره عرفانی «جاده العاشقین» و معرفی دو عارف گمنام سده دهم هجری بر بنیاد متن آن تذکره/ ۴۵۳

حاضر، به جستاری جامع در اینباره پرداخته است که از این حیث میتوان گفت که نخستین پژوهش پردامنه، مستند و علمی در باب آن تذکره عرفانی به شمار میرود.

## ۲) بحث و بررسی

پیش از معرفی تذکره «جاده العاشقین» بعنوان اثر صوفیانه بازمانده از قرن دهم هجری قمری، لازم است که نخست به کیفیت آثار ادبی در این عهد نظری بیفکنیم؛ تا در نتیجه بتوانیم تذکره «جاده العاشقین» را به عنوان یک اثر صوفیانه متعلق به این دوره ارزیابی و معرفی نماییم.

### ۲-۱- نگاهی به کیفیت آثار ادبی در سده دهم هجری

دوره تیموریان که اندکی بیش از یکصد سال به درازا کشید، یکی از دوره های مهم ادب فارسی است؛ که با همه نقایص خود، بسیاری وجوه رجحان و برتری را داراست؛ بطوری که میتوان آن را آخرین دوره مهم قدیم در ادب فارسی و عهدی شمرد که دیگر تجدید نشد؛ و نیز دورانی دانست که به نوبه خود، مقدمه آغاز عهدی کاملاً نو در ادب فارسی (یعنی عهد صفوی) گردید. علی رغم کشاکشها و نبردهای مدعیان سلطنت در عهد تیموری، از باب خدمات شاهان و امرا مسلماً یکی از دوره های بسیار مهم و پرثمر بوده است؛ و اگر سستی و فترتی در این دوره باشد، نباید آن را منحصر به درگیری های حکومتی و بی ثباتی سیاسی آن دوره دانست؛ بلکه علل دیگری نیز هست که باید آنها را در حوادث عهد مغول به بعد جستجو کرد. (نک: تاریخ ادبیات در ایران، صفا، ج ۴، ص ۵۹). زبان فارسی در آثار ادبی دوران تیموری دستخوش فراز و نشیبهای حوادث روزگار و تحولات بسیاری شده بود، همچنین خالی بودن ادبا و نویسندگان این دوره از سرمایه کافی ادبی، باعث مسامحات و فتور ادبی شده بود. با این اوصاف، اکنون به معرفی تذکره «جاده العاشقین» و بررسی ارزش و اهمیت آن تذکره بعنوان یک نثر صوفیانه سده دهم هجری قمری میپردازیم:

### ۲-۲- معرفی تذکره عرفانی «جاده العاشقین»

تذکره «جاده العاشقین» را مصنف آن «شرف الدین حسین» متوفی اواخر سده دهم هجری قمری، حدود (۹۷۰ ه.ق) یعنی سیزده سال پس از فوت پدر و مرادش «کمال الدین حسین» به رشته تحریر درآورده است؛ مؤلف این تذکره عرفانی، که در آن به ذکر مناقب پدر و مرشد خویش پرداخته است، مرید و جانشین پدر و از مشایخ سلسله «کبرویه ذهبیه همدانیه حسینی» بوده است. شرف الدین حسین «تألیف کتاب را پس از بازگشت از سفر مکه در سال (۹۷۰ ه.ق) آغاز و به سال (۹۷۲ ه.ق) به پایان برده است؛ و بنا به گفته خودش حدود ۴۳ سال ملازم پدر بوده و اغلب واقعات، حالات و ملفوظات مربوط به پدر را به رشته تحریر درآورده است. این کتاب، منبع مهمی در معرفی تصوّف در خطّه فرارود (ماوراءالنهر) و ترکستان در قرن دهم هجری قمری است؛ مؤلف در این اثر به ذکر نام بعضی مشایخ بزرگ این سرزمین و اقطاب «کبرویه همدانیه» میپردازد که با مطالعه آن، اطلاعات ارزشمندی درباره گسترش سلسله «کبرویه ذهبیه همدانیه» در این خطّه به

دست می‌آید؛ نیز این اثر از نظر نثر نویسی در ادبیات فارسی قابل توجه است؛ و میتوان آن را بعنوان یکی از نمونه‌های اعلای نثر نویسی در سده دهم هجری (عهد تیموریان) بشمار آورد. این تذکره، در یک دیباچه و پانزده باب که هر باب چندین فصل را در بر می‌گیرد، تدوین شده است. مؤلف در این تذکره به ذکر مناقب پدر و مراد خویش «کمال الدین حسین خوارزمی» پرداخته؛ و تاریخ تألیف کتاب را پس از بازگشت از حرمین شریفین ذکر کرده است و با توجه به مثنوی که در ابتدای کتاب سروده، حدود ۴۳ سال یعنی تقریباً نیم قرن در خدمت پدر بوده است.

<p>با وجود طریق فرزندی روز و شب خاک گشته در ره او در سفر در حضر بهم بودم بنده را خدمتی که میفرمود شکر لله ز همت ایشنان چل و سه سال چونکه گشت تمام هرچه ز ایشنان شنیدم و دیدم</p>	<p>داشتم با سگانش خرسندی بودم از ساکنان در گه او هر کجا رفت، در قدم بودم سرم از شوق بر فلک میسود... صرف شد عمر من به درویشان وانچه بگذشت اندر آن ایام بر ورق همچو مشک پیچیدم...</p>
--	---

(جاذة العاشقین، دیباچه، ۴ - ۵)

سپس تأکید دارد که روش او در این کار، کتابی است که مولانا محمود غجدوانی درباره آن عالی حضرت (کمال الدین حسین)، میان سالهای (۹۲۳ تا ۹۴۹ ه.ق) نوشته است: «قبل از این نسخه، در ایام حیات بابرکات ایشنان از برای جناب فضایل مآبی... مولانا کمال الدین محمود غجدوانی که یکی از درویشان و خلفا و مَحَرمان و مقربان آن عالی حضرت بود و از ابتدای تاریخ نهصد و بیست و سه که از خوارزم به ماوراءالنهر تشریف آورده بودند تا نهصد و چهل و نه که در ملازمت حضرت ایشنان عمر به سر میبردند در سفر و در حضر و مجالس اکابر و اشراف و موالی و اهالی از حقایق و دقایق و کرامات و خوارق عادات، آنچه از ابتدای طلب ریاضات ایشنان دیده و شنیده بود جمع کرده، مسمی به «مفتاح الطالبین»، کتابی نوشته بود». (همان، دیباچه، ۵). همین زمینه سبب میشود تا شریف الدین حسین نیز اقدام به نگارش این اثر کند: «از آنجا که گستاخی فرزندان است، این فقیر روزی به عرض حضرت مخدومی خود رسانید که فقیر نیز میخواهد که از مقامات و خوارق عادات عالی حضرت ایشنان و احوالات بعضی از خلفاء و درویشان که جناب مولانا محمود در کتاب خود نوشته‌اند، بجهت طالبان، تذکره نویسد». (همان، دیباچه، ۶). چندی بعد که مولانا محمود غجدوانی و شریف الدین حسین، در خانقاه سفیدمون بخارا بوده‌اند، شیخ کمال الدین حسین میگوید که «شریف الدین حسین ما میگوید که مرا هم به خاطر رسیده که از مقامات و حالات درویشان، از سخنان کتاب مفتاح الطالبین خدمت مولانا محمود انتخاب کرده، از برای احباب تذکره نویسد». (همان، دیباچه، ۶). معنای این سخن، رضایت شیخ کمال الدین از این قصد مؤلف بوده

است. گویا این کار از آن زمان که ذکرش بوده، به تعویق می‌افتد تا زمانی که نگارش و تدوین آن جدی می‌شود. «اما تا این زمان، این امر شریف در تأخیر و توقیف می‌بود به مضمون الأُمُورُ مَرهُونَةٌ بِأَوْقَاتِهَا، و با وجود این همه، در خود قابلیت و استطاعت اظهار اسرار و یارای گفتار این سخنان عظیم الشان نمی‌یافتیم». (جاده العاشقین، دیباچه، ۷). وی خانقاه سفیدمون بخارا را به دلیل نام کمال الدین حسین خوارزمی، «حسینیّه» مینامد و در ادامه می‌گوید: «غرض از تحریر و تقریر و بیان این سخنان آنست که همه طالبان و سالکان «سلسله حسینیّه» را صراط مستقیمی باشد و آنچه از کشف و حالات و وجد و کرامات این طایفه گفته می‌شود، مراد و مقصود جز این نیست که هر عاشق صادق که قدم در راه مردان مرد نهاده، طریق مجاهدات و ریاضات اختیار کند، باید که سلوک و روش خود را به احوالات این طایفه موازنه نماید به طریق شریعت و شاه راه طریقت پیروی کرده، در جاده عشق، مستقیم الحال باشد». (همان، دیباچه، ۸). این سخن در واقع علت نگارش این قبیل تذکره‌ها را که برای مشایخ نوشته می‌شود، آشکار می‌سازد. مؤلف با این مقدمه، نام‌گذاری کتاب را هم به اسم دقیق و زیبای «جاده العاشقین» بیان می‌کند: «بنابر این مناسبات، این تصنیف به جاده العاشقین موسوم شد تا عاشقان صادق و یاران موافق را از او بهره‌مندی تمام باشد». (همان، دیباچه، ۸). آن گاه در این باره شعری هم سروده شده است که بعضی ابیات آن این است:

شکر، که توفیق خدا شد رفیق	جاده مانده بر اهل طریق
آنچه درین نسخه بیان کرده شد	سیرت احباب عیان کرده شد
جاده گشت پی عاشقان	این گهر بحر معانی از آن
بو که ازین راه به جایی رسند	جمله حسینی به نوایی رسند
چون که شد از فضل خدا فتح باب	خواست دلیم نام خوش این کتاب
بس که طلب کردم از نیک و بد	عاقبت الامر بین با خرد
گفتمش: ای ناطق شیرین کلام	چیست؟ بگو، مدت تاریخ و نام
گفت: بگو، «جاده العاشقین»	نام خوش و نکته تاریخ این...

(همان، دیباچه، ۸ - ۹)

کلمه «جاده العاشقین» به حساب ابجد برابر با (۹۶۹ ه.ق) می‌باشد، ولی گویا او کتابش را بعد از زیارت حرمین شریفین (ماه ذیحجه) که آخر سال (۹۶۹ ه.ق) بوده، آغاز کرده است و چند روزی بیش به پایان سال باقی نمانده بوده است؛ بنابراین، محققانی مانند منزوی تاریخ تألیف آن را (۹۷۰ ه.ق) ذکر کرده‌اند. (فهرستواره کتابهای فارسی، منزوی، ج ۳، ص ۸۵۰). شایان ذکر است که مؤلف اتمام تألیف نسخه را در ماه رجب (۹۷۲ ه.ق) و در شهر سمرقند ذکر کرده است: «پوشیده نماند که اتمام این نسخه در ماه رجب المرجب بود در بلده محفوظه سمرقند در خانقاه فیاض الانوار حضرت مخدومی ما، که در سر بازارچه پهلوان حسین است، رباعی:

این نسخه که هست رهبر اهل طلب      یابند ازو همدایت ارباب ادب  
شادم که تمام شد به صد عیش و طرب      در نهصد و هفتاد و دوی از ماه رجب»  
(جاذة العاشقین، باب ۱۵، ۳۳۰)

## ۲-۳ - محتوای تذکره «جاذة العاشقین»

این کتاب، در یک دیباچه و پانزده باب - که هر باب، چندین فصل را در بر میگیرد - و در یک خاتمه تدوین شده است.

دیباچه: شامل ستایش خداوند، محمّد پیامبر(ص) و خلفای راشدین، بیان انگیزه و هدف از تألیف اثر. باب اول: در بیان معجزات انبیا و کرامات اولیا و مراتب ولایت، در معرفت اولیا و اقسام ایشان، اقسام و نام خوارق عادات. باب دوم: در بیان انواع پیر و ذکر اسامی پیران و مقتدایان سلسله حسینیّه، در بیان آغاز سلوک شیخ کمال الدّین خوارزمی، در بیان نسبت خرّقه. باب سوم: در بیان اصل و نسل شیخ کمال الدّین خوارزمی، بیان زاد و بود آن شیخ. باب چهارم: در بیان رسیدن جذبه الهی به کمال الدّین، تحصیل علم ظاهر و ریاضات او، در بیان ملاقات ایشان به شیخ عمادالدّین فضل الله. باب پنجم: در بیان تاریخ ملازمت و انابت کمال الدّین حسین به شیخ حاجی محمّد خوبوشانی، در بیان مشرف شدن کمال الدّین به شرف صحبت شیخ حاجی محمّد، ملازمت و خدمت کمال الدّین حاجی محمّد خوبوشانی را، در بیان سفر ظاهری و باطنی کمال الدّین حسین. باب ششم: در بیان رخصت شیخوخیت کمال الدّین و آمدن او به خوارزم. باب هفتم: در بیان توجه نمودن کمال الدّین از خوارزم به جانب ماوراءالنهر و دیدار با مولانا عمر. باب هشتم: بیان ملاقات و مقالات شیخ کمال الدّین حسین خوارزمی با پادشاهان آن عصر. باب نهم: سفر شیخ از سمرقند به خوارزم به قصد طواف حرمین شریفین، در بیان رسیدن آن عالیحضرت به قسطنطنیه روم و ملاقات و مقالات به مشایخ آن دیار و اهل علوم. باب دهم: بیان رسیدن قافله شیخ به شهر مدینه و طواف مزارات آنجا و سپس انجام مراسم حج. باب یازدهم: بازگشت شیخ از مکه و مدینه و رفتن به سوی شام. باب دوازدهم: در بیان رسیدن کمال الدّین حسین به شهر حلب و رحلت او در آن سامان. باب سیزدهم: ذکر بعضی از کرامات و خوارق عادات شیخ. باب چهاردهم: بیان اسامی خلفای شیخ و ذکر کرامات آنان. باب پانزدهم: ذکر عدد زوجات، اولاد و احفاد شیخ حسین. بخش پایانی: خاتمه کتاب.

## ۲-۴ - ارزش و اهمیت تذکره «جاذة العاشقین» به عنوان یک اثر منثور صوفیانه

در عهد تیموریان، آسیای مرکزی خاصه ماوراءالنهر و خراسان همانگونه که یکی از مراکز علمی آن عهد بود، محل اجتماع شعرا، ادبا و متصوّفه نیز بوده است. موضوعات نثر در این دوره دور از تنوع نیست؛ و در ابواب مختلفی از علوم عقلی و ادبی و ... آثاری به دست ما رسیده است؛ که یکی از انواع آن، شیوه مرسوم در نثرنویسی درباره تراجم احوال بزرگان مشایخ صوفیه است. کتابهای معتبری در این باب به رشته تحریر درآمده که بعضی از آنها در شمار آثار مشهور از نوع خود هستند. یکی از این آثار برجسته منثور صوفیانه بازمانده از عهد تیموریان، تذکره «جاذة العاشقین» میباشد، که در نوع خود دارای ویژگیهای فکری و متنی منحصر بفرد است. این کتاب، تذکره ای

است به نثر آمیخته به نظم، و در مجموع به نثر ساده و روانی نگارش یافته است؛ و به ندرت واژه های دشوار و دیرباب در آن بکار رفته است. زبان نوشتاری این کتاب، بنوعی فارسی ماوراءالنهری و از نظر املایی نیز برخی از ویژگیهای آثار آن دوره را داراست. شیوه پردازش مطالب آن بگونه ای است که خواننده را از ادامه قرائت متن ملول نمیسازد؛ و بر عکس، نویسنده با ظرافت خاصی که برخاسته از ذوق سلیم اوست، مطالب را با چنان لطافتی بیان میکند که با جملات رسا، آهنگین و دلنشین ناخودآگاه ضمیر خواننده را به بزم گلستان فاخر سعدی و به سیر و تماشای بهارستان دلنواز جامی فرا میخواند؛ و شواهد شعری که با تخلص «شریفی» به مناسبتهای مختلف کلامی میسراید، نشانه خلایقتهای ادبی او به شمار میروند. متن این تذکره عرفانی، دارای اشعار فراوانی از شاعران مختلف میباشد؛ که در این میان، سروده های نغز و پر احساسی به چشم میخورد که از زبان پدر با تخلص «حسین» نقل میشود؛ که فصاحت و عذوبت این اشعار، نشانگر ذوق سلیم و طبع ظریف کمال الدین حسین میباشد؛ و او را به عنوان عارفی شاعر قلمداد میکند.

این تذکره، منبع مهمی در شناخت تصوف در سده دهم هجری قمری در خطه ماوراءالنهر و ترکستان میباشد؛ و با مطالعه آن میتوان آگاهیهای ارزشمندی درباره گسترش سلسله «ذهبیّه کبرویّه همدانیّه» در این دیار به دست آورد. آگاهیهای پراکنده موجود در این کتاب برای شناخت دیدگاههای متصوفه و رسوم آنان در قرنهای نهم و دهم، بسیار جالب توجه است و میتواند تکمیل کننده اطلاعاتی باشد که در این زمینه، بخصوص در حوزه خراسان بزرگ وجود دارد. نویسنده در باب دوم کتاب درباره اسامی پیران و مقتدایان «سلسله حسینیّه» که مسلسل است به حضرت رسالت (ص) در ضمن چند فصل پرداخته است. در فصول بعد، اطلاعات بیشتر و اسامی فراوانی از مشایخ صوفیه و طرق آنها تا حضرت رسالت ارائه شده است. در مطالب کتاب، اطلاعاتی درباره شیخ کمال الدین حسین خوارزمی و خوارق عادات ظاهر شده به دست وی را ملاحظه میکنیم. باورهای صوفیه در این دوره، آگاهیهایی درباره شهرهای خراسان، رجال خوارزم و نواحی دیگر و باورهای عامه، از مطالبی است که در این مجموعه فراوان یافت میشود.

«جاده العاشقین» علاوه بر اطلاعات تاریخی درباره فرارود، خوارزم، خراسان و روم شرقی، آگاهیهای مفیدی از جغرافیا، بناها، شهرها و تاریخ این سرزمینها به دست میدهد. همچنین نام و شعر شماری از شاعران در این کتاب آمده است، نیز در این کتاب درباره برخی علما سخن رفته است. نکات مهم تاریخی و جغرافیایی این کتاب، بسیار فراوان است، اما آنچه درباره سفر حج است، به اعتبار یک سفرنامه، ارزشی ویژه دارد. در این سفرنامه - که یکی از باارزشترین سفرنامههای قرن دهم است - درباره نحوه برخورد دولت شیعی مذهب صفوی با ازبکان سنی مذهب ماوراءالنهر، دشمنی و جنگ میان این دو فرقه و همچنین درباره چگونگی ایجاد پیوند میان سنیان شرق ایران

با دولت عثمانی و تحت فشار قرار گرفتن صفویان در نتیجه آن پیوند، اطلاعات تاریخی، سیاسی و مذهبی ذی‌قیمتی به دست می‌آید.

نکته مهم و ارزشمند دیگر در این کتاب، ارائه یک سند تاریخی دقیق درباره زندگی صوفی نامدار سده دهم هجری یعنی «کمال‌الدین حسین بن شهاب‌الدین اندجانی خوارزمی» و زمان و مکان وفات اوست که وی را از همان‌امان‌اش متمایز می‌سازد و بدین وسیله با ظهور کمال‌الدین حسین خوارزمی اخیر، یک برگ زرین دیگری بر صحیفه عرفان و ادب ایرانی افزوده می‌شود.

### ۳) معرفی دو عارف گمنام از سده دهم هجری قمری

پس از معرفی تذکره عرفانی «جاده العاشقین» و بررسی ارزش و اهمیت ادبی و تحلیل محتوای آن، اینک به معرفی دو شخصیت گمنام عرفانی سده دهم هجری قمری می‌پردازیم. این دو شخصیت گمنام، پدر و پسر هستند که همانا یکی «کمال‌الدین حسین» و دیگری «شریف‌الدین حسین» خوارزمی - صاحب تذکره مذکور - می‌باشد.

نخستین این دو شخصیت عرفانی، «کمال‌الدین حسین خوارزمی» است که وجودش در تاریخ عرفان و ادب ایرانی همواره در پس‌هاله‌ای از وجود دو همنام و همشهری خویش قرار گرفته، به فراموشی سپرده شده و از حافظه تاریخ محو گردیده است. نخستین آن دو همنام و همشهری، «کمال‌الدین حسین بن حسن خوارزمی» صاحب اثر معروف «جواهرالاسرار و زواهر الانوار» در شرح مثنوی معنوی مولوی است؛ که معاصر شاهرخ بن امیر تیمور گورکان بوده و در فتنه ازبکان حدود سال‌های (۸۳۹ و یا ۸۴۰ ه.ق) در خوارزم به قتل رسیده است. دیگری «کمال‌الدین حسین تبادکانی خوارزمی» که زمان ارشاد او در نیمه دوم قرن دهم و اوایل قرن یازدهم هجری، و وفاتش در اوایل قرن یازدهم در تبادکان مشهود بوده است. لیکن شیخ «کمال‌الدین حسین خوارزمی» مورد تحقیق در این نوشتار، برآستی غیر از آن دو شخصیت عرفانی همنام و همشهری پیشین است؛ و با عنایت به نص صریح تذکره جاده العاشقین، وی در سحرگاه هژده شعبان (۹۵۸ ه.ق) در بازگشت از سفر حج در شهر حلب وفات یافته است.

#### ۳-۱- کمال‌الدین حسین بن حسن خوارزمی

وی از عرفای سلسله کبرویه، در نیمه دوم سده هشتم و نیمه اول سده نهم هجری، شاعری توانا و عالم به علوم معقول و منقول و ظاهر و باطن و دارای قلمی نیکو در نگارش نثر فارسی بوده است. (نک: شرح فصوص الحکم، تصحیح مایل هروی). مهدی درخشان در مقدمه کتاب «ینبوع الاسرار» به تفصیل به زندگی او پرداخته است. طبق نظر درخشان به ظن قریب به یقین میتوان گفت که وی بین سالهای (۷۷۰ - ۷۸۰ ه.ق) به دنیا آمده است؛ زیرا با توجه به مطالبی که در کتاب ینبوع آورده، در زمان تألیف کتاب (۸۳۲ ه.ق) از پیدا شدن آثار پیری و فتور در خود خبر داده است. (نک: ینبوع الاسرار، تصحیح درخشان). به نظر محققان، با توجه به این سخن، در زمان تألیف کتاب، سن



نگاهی انتقادی به تذکره عرفانی "جاده العاشقین" و معرفی دو عارف گمنام سده دهم هجری بر بنیاد متن آن تذکره/۴۵۹

وی ۴۰ تا ۵۰ بوده است. (نک: همان، مقدمه ۲۶). نکته جالب در مورد لقب او این که، نجیب مایل هروی معتقد است که حسین بن حسن خوارزمی شارح فصوص الحکم دارای لقب «کمال الدین» نبوده و این لقب بنا به تصریح محمود غجدوانی از آن حسین خوارزمی فرزند شهاب الدین (متوفی ۹۵۸ ه.ق) است؛ و لقب حسین بن حسن خوارزمی «تاج الدین» ذکر شده است. (نک: مقدمه شرح فصوص الحکم، مایل هروی). بنا به گفته دولتشاه سمرقندی، این خوارزمی در دربار شاهرخ جزو بزرگان بوده است؛ او به لحاظ طریقتی، مرید خواجه ابوالوفای خوارزمی صوفی، از اقطاب سلسله کبرویه (۷۴۰ - ۸۳۵ ه.ق) بوده است؛ و بین سالهای (۸۳۴ تا ۸۳۹ ه.ق) در هجوم ازبکان به خوارزم به شهادت رسیده است. (نک: تذکره الشعراء، تصحیح محمد استعلامی؛ ینبوع الاسرار، تصحیح درخشان، ج ۱، مقدمه ۲۷؛ همان، ۳ - ۱۰).

### ۳ - ۲ - کمال الدین حسین تبادکانی خوارزمی

برخی از محققان، از جمله علی استخری از فردی به نام کمال الدین حسین تبادکانی سخن گفته اند. استخری در بیان اصل و نسب او، دقیقاً مناقب شیخ حسین خوارزمی پدر شیخ شریف الدین را آورده است، اما او را اهل تبادکان (قصبه ای در حومه مشهد) دانسته است. وی، تبادکانی را از سلسله ذهبیه و مرید فضل الله مشهدی شمرده و بیان کرده است که به اشارت او نزد شیخ کاملی رسید (گویا محمد خوبشانی)، اما کمال او به وسیله غلامعلی نیشابوری صورت پذیرفت و دختر او را به زنی گرفت، اما به صراحت نامی از محمد خوبشانی نبرده است. وی محمد کارندهی، از اقطاب سلسله ذهبیه را از مریدان او دانسته است. استخری او را شارح فصوص الحکم دانسته و از او اشعاری در مدح اهل بیت و مذمت دشمنان آنها ذکر کرده است. زمان ارشاد او در نیمه دوم قرن دهم و اوایل قرن یازدهم هجری، و وفاتش در اوایل قرن یازدهم در تبادکان بوده است. (نک: اصول تصوف، علی استخری، صص ۳۵۲ - ۳۶۳).

### ۳ - ۳ - «کمال الدین حسین خوارزمی» مورد تحقیق ما و معرفی شخصیت حقیقی او

نخست با استفاده از دو منبع معتبر، یکی «دانشنامه ادب فارسی» و دیگری «تاریخ ادبیات در ایران» اختصاراً به معرفی شیخ کمال الدین حسین خوارزمی میپردازیم:

«کمال الدین حسین بن احمد بن ابراهیم خوارزمی (متوفی ۹۵۸ ه.ق)، شاعر و عارف ماوراءالنهری است. وی از اوان زندگی، مستعد پذیرش طریقه تصوف بود. پس از چندی، از مریدان حاجی محمد خوبشانی (۹۳۸ ه.ق) شد، و در سلک طریقه همدانیه که خود کمال الدین حسین، فرزندش شریف الدین حسین و محمود غجدوانی آن طریقه را «سلسله علیّه حسینیّه همدانیه» نامیده اند، درآمد. کمال الدین به واسطه استعدادی که داشت، پس از چندی به مقام شیخی رسید و در خوارزم، سمرقند، بخارا و دمشق به ارشاد طالبان پرداخت. در (۹۵۶ ه.ق) با گروهی از مریدان، رهسپار مکه شد. پس از گزاردن مناسک حج، به دمشق رفت و خانقاهی در آن سامان برآورد. پس

از آن به قصد برآوردن خانقاهی در حلب آهنگ آن شهر کرد، اما در آن دیار درگذشت... (نک: دانشنامهٔ ادب فارسی، انوشه، ج ۱، ص ۷۴۵).

«مولانا کمال الدین حسین بن حسن خوارزمی کبرای ذهبی از نویسندگان و عارفان مشهور قرن نهم هجری است، مولد او ماوراءالنهر و محلّ نشو و نمایش خوارزم میباشد؛ و به نقل از مجالس العشاق، کمال الدین حسین خوارزمی از فرزندان شیخ نجم الدین کبری دانسته شده است. همچنین از وی به عنوان یکی از شاگردان و پیروان ابوالوفاء خوارزمی ملقب به پیر فرشته (متوفی ۸۳۵ ه.ق) از کبار مشایخ ماوراءالنهر نام برده میشود.» (تاریخ ادبیات در ایران، صفا، ج ۴، ص ۴۹۱).

اینک، در نوشتار حاضر بر آنیم که با ارائهٔ شواهدی بر بنیاد متن تذکرة «جادة العاشقین» تنها سند معتبر شناخت شخصیت حقیقی شیخ «کمال الدین حسین خوارزمی» و همچنین فرزندش شیخ «شریف الدین حسین خوارزمی» صاحب تذکرة فوق را کشف و به تلخیص و تدقیق معرفی نماییم:

«کمال الدین حسین بن شهاب الدین، صوفی، شاعر و قطب سلسلهٔ حسینیّه همدانیّه کبرویه از اولاد برهان الدین قلیچ بوده است؛ که به گفتهٔ خود او اصل پدرانش از ولایت اندجان بوده اند و پدر کلان (جد او) به خوارزم آمده اند. (نک: جادة العاشقین، باب ۳). وی در هژده سالگی آوازهٔ پیری صاحب کمال به نام «عمادالدین فضل الله» را در دیار «ابورد» شنیده و در جست و جوی او عازم ولایت خراسان می شود (نک: همان). به روایت مؤلف جادة العاشقین، کمال الدین پس از حضور در مجالس عمادالدین فضل الله، به ریاضت مشغول شده، و حالات معنوی بر وی دست داده است. (نک: همان). سپس وی در پی تحصیل علم ظاهر در محضر ملاّی در خوارزم به نام «محمد غیاث» حضور یافته و سبقی بنیاد کرده و به ریاضت مشغولی مینماید؛ (نک: همان). پس از مدتی ملازمت «مولانا محمد غیاث»، از خدمت مولانای مذکور رخصت گرفته، به قصد ملازمت «خواجه عبیدالله» از خوارزم متوجه ماوراءالنهر میشود؛ اما وقتی که به بخارا میرسد، خبر فوت خواجه را میشنود؛ و بعد از آن خبر، به صحبت و ملازمت «شیخ جمال الدین» که در بخارا تشریف داشتند، میرسد. (نک: همان). پس از مدتی ملازمت شیخ جمال الدین، از حضرت شیخ رخصت طلبیده و به خوارزم برگشته است. (نک: همان). مدتی در خوارزم به ریاضت مشغولی کرده و با دیدن واقعه ای، به یقین میرسد که شخصی که در آن واقعه با او آشنا شده است، شیخ زمان، حضرت شیخ «حاجی محمد خبوشانی» است؛ پس از این واقعه تصمیم میگیرد که به طواف مرقد امام علی بن موسی الرضا برود. (نک: همان). چند مدتی در مشهد اقامت داشته و احوالاتی بر او گذشته است که سرانجام از آن دیار به وطن اصلی خود (خوارزم) باز میگردد. پس از مراجعت از مشهد، بار دیگر از خوارزم آهنگ ابیورد کرده، متوجه شیخ عمادالدین فضل الله میشود. (نک: جادة العاشقین، باب ۴). باز واقعه ای بر او دست داده و از حضور عماد الدین رخصت گرفته، از آنجا متوجه ملازمت حضرت شیخ «حاجی محمد خبوشانی» میگردد. (نک: همان، باب ۵). بنا به تصریح جادة العاشقین، تاریخ این انابت سال

(۸۹۹ ه.ق) بوده است. (نک: همان، باب ۶). پس از این ماجرا، کمال الدین حسین مدت زمان یازده سال در ملازمت شیخ حاجی محمد خوبشانی بسر برده، ریاضت‌ها کشیده و پس از یافتن کمالات و سعادات، سرانجام شیخ حاجی محمد خوبشانی به سال (۹۱۰ ه.ق) در حضور مریدانش در سفر شهر خوف خرقه خویش را بر دوش کمال الدین حسین انداخته و او را رخصت شیخوخیت عطا کرده، به خوارزم روانه ساخته است. (نک: همان). کمال الدین حسین، پس از رسیدن به مقام ارشاد، با اشارت شیخ حاجی محمد خوبشانی به خوارزم می‌رود. وی در سال (۹۲۳ ه.ق) به ماوراءالنهر و غجدوان و از آنجا به بخارا و سمرقند سفر میکند و سپس به خوارزم باز می‌گردد. (نک: همان، باب ۷). در سال (۹۵۶ ه.ق) به همراه حدود سیصد تن از درویشان و ملازمان خود که مؤلف کتاب جاده العاشقین نیز با ایشان بوده است، عازم طواف حرمین شریفین میشود. (نک: همان، باب ۹). وی پس از گذشتن از منازل، شهرها، سرزمینهای مختلف، سرانجام به مدینه منوره و مکه معظمه رسیده و به طواف حرمین شریفین مشرف میشوند؛ پس از اتمام مراسم حج، عازم شام گشته و در سال (۹۵۸ ه.ق) وارد حلب میشوند و شیخ که فوت و ناتوان شده بود، همانجا میماند و از آنجایی که شیخ، شهر دمشق (صالحیه) را مدفن انبیا و اولیا میدانست، آنجا را برای وفات بر میگزیند. بنا به گفته شریف الدین، پس از ورود شیخ به حلب حدود نه روز در بستر بیماری می‌افتد و سرانجام در سحرگاه روز شنبه هجدهم ماه شعبان سال (۹۵۸ ه.ق) رحلت میکند؛ و جنازه وی در «باب الله حلب» در همان حجره خویش که وفات یافته بود، دفن میگردد. (نک: همان، باب ۱۲).

لازم به ذکر است که هیچ یک از مناقب نویسان، تاریخ ولادت کمال الدین حسین را بیان نکرده‌اند، اما با توجه به این که شریف الدین، تاریخ ابتدای جذبات او را در هژده سالگی دانسته، و این که پس از آن در سال (۸۹۹ ه.ق) به ملازمت شیخ محمد خوبشانی رفته است. (نک: همان، باب ۵؛ همان، باب ۶). پس احتمال می‌رود که ولادت او بین (۸۸۰ تا ۸۸۱ ه.ق) بوده باشد.

### ۳-۴ - شریف الدین حسین خوارزمی

درباره زندگی و مناقب «شریف الدین حسین» اطلاعات اندکی در دست است؛ در مورد تاریخ ولادتش سخنی ذکر نشده است اما با توجه به این که تا سال مرگ پدر (۹۵۸ ه.ق) حدود ۴۳ سال ملازم پدر بوده است، احتمالاً در زمان وفات پدرش حدود ۵۰ سال داشته باشد و بدین ترتیب زادسال او بین (۹۰۰ تا ۹۱۰ ه.ق) بوده باشد. شریف الدین، چنانکه در جاده العاشقین گفته، خرقه خود را در حین سفر حج در دیار «قراگول» در خانقاه شیخ عبدالله خوارزمی که یکی از خلفای شیخ کمال الدین خوارزمی بود، در شب جمعه از دست پدر خویش دریافت کرده و به خلافت ایشان نایل آمده است. «در همان شب مبارک بود که این حقیر کثیرالتقصیر قریب به سحر به حجره که آن عالیحضرت تشریف داشتند، درآمد و حضرت ایشان را بسطی و وقت عجیبی بود، این فقیر منظور نظر حضرت ایشان شد، به خادم فرمودند که فلان خرقه مرا بیار؛ بعد از آنکه خادم

خرقه را آورد، لطف کرده، فرمودند که ما این خرقه را تا این زمان نگاه داشته بودیم و میخواستیم که به یکی پوشانیم و به این لفظ فرمودند به که دهیم که بهتر از تو باشد؟ بیا به تو دهم گویان، فاتحه خوانده، برخاسته بر سر این فقیر انداختند...» (نک: جاذة العاشقین، باب ۹). شریف‌الدین در این روایت، به تاریخ دقیق خرقه ستاندن از دست پدرش اشارتی نکرده است؛ اما از آنجایی که کمال‌الدین به قصد طواف حرمین شریفین، به سال (۹۵۶ ه.ق) از سمرقند عازم خوارزم شده، مدتی به سیر در شهرهای مختلف ماوراءالنهر و زیارت مزارات آن دیار مشغول بوده است؛ به تصریح متن کتاب تاریخ نزول ایشان به خیوق، در زمستان سال (۹۵۶ ه.ق) بوده؛ و از آنجا که در موضع پیش از آن، یعنی در فراگول شریف‌الدین خرقه خلافت از دست پدر گرفته بود؛ بنابراین، تاریخ خلافت شریف‌الدین پیش از زمستان (۹۵۶ ه.ق) خواهد بود. (نک: همان). این سفر حج در آغاز بهار سال (۹۵۷ ه.ق) با ارسال نامه‌هایی از جانب شیخ کمال‌الدین به درویشان و مخلصانش در فرارود به طور رسمی و آشکارا اعلام میگردد؛ سرانجام، آن سال (۹۵۷ ه.ق) مناسک حج بجای آورده شده و شیخ کمال‌الدین به همراه مریدان خویش از مکه به مدینه و از آنجا عزم سفر به سوی دیار شام میکند؛ و پس از آنکه به سال (۹۵۸ ه.ق) در باب الله حلب در همان حجره خویش که وفات یافته، دفن میگردد؛ شریف‌الدین همراه مریدان پدر، به خوارزم بازگشته، در مقام خلافت پدر، ارشاد مریدان سلسله «حسینیة همدانیة» را بر عهده میگیرد. (نک: همان، باب ۱۲).

درباره سال مرگ شریف‌الدین نیز باید گفت با توجه به این که مناقب و احوال او کمتر در تذکره‌ها آمده، اطلاعات دقیقی در این باره در دسترس ما نیست. تنها این را میدانیم که پس از وفات پدرش در (۹۵۸ ه.ق) جانشین او میشود و با توجه به این که مدت ملازمتش در خدمت پدر را ۴۳ سال دانسته، در این ایام حدود پنجاه سال داشته است. باید گفت که، نثاری بخاری (۱۰۰۵ ه.ق) صاحب تذکره «مذکر احباب» تنها کسی است که اطلاعاتی راجع به شریف‌الدین حسین آورده، وی همعصر شریف‌الدین بوده و با او مراوده داشته است و حتی اشعاری در ستایش همدیگر بین آنها رد و بدل شده است. «شیخ شریف‌الدین حسین، ولد شریف شیخ حسین خوارزمی است. از صغر سن در ملازمت والد شریف خود بوده و کسب سرمایه دولت ابدی و سعادت سرمدی مینمود... در ملازمت والد عالی شأنش، آهنگ حجاز نمود و بعد از مراجعت، علم بی‌خلاف خلافت برافراشت و عشاق سلسله سنیه حسینیة را بی‌نوا نگذاشت... و مجلس عالی و محفل متعالیش مجمع افاضل و اهالی است... طبع دقیقش در تحقیق سخن درجه علیا و مرتبه قصوا قرار دارد و در دقت دقیقه‌ای فرو نمی‌گذارد. و مقامات والد شریفش را نیکو جمع نموده و معانی کثیر را به مضمون خیر الکلام ما قلّ و دلّ در عبارت موجز قصیر بیان فرموده... اشعار دلفریب و ابیات غریبش در السنه فضلا مذکور است و در میان شعرا مشهور». (مذکر احباب، تصحیح مایل هروی). برخی از پژوهشگران معاصر، تاریخ تألیف کتاب مذکر احباب را حدود (۹۷۴ ه.ق) دانسته‌اند؛ (تاریخ تذکره‌های فارسی، گلچین

نگاهی انتقادی به تذکره عرفانی "جاده العاشقین" و معرفی دو عارف گمنام سده دهم هجری بر بنیاد متن آن تذکره/ ۴۶۳

معانی، ج ۲، صص ۲۱۹ - ۲۲۰) و در همین ایام است که مؤلف تذکره مذکور احباب، مناقب شریف الدین را در کتاب آورده و با توجه به رابطه مؤلف با شریف الدین، به احتمال فراوان وفات او بعد از (۹۷۴ ه.ق) و در اواخر قرن دهم باشد.

#### ۴ نتیجه گیری

تصحیح تذکره «جاده العاشقین» و تحقیق درباره آن، به منزله احیا و بازآفرینی یکی از آثار عرفان و تصوف سده دهم ایرانی است؛ افزون بر این، آگاهیهای پراکنده اما ارزشمندی که در متن کتاب جاده العاشقین درباره سلسله کبرویّه همدانیه و گسترش آن طریقت در خطه فرارود و سرزمینهای همجوار آن وجود دارد، برای شناخت دیدگاههای متصوفه و رسوم آنان در قرن نهم، بسیار جالب توجه است و میتواند تکمیل کننده اطلاعاتی باشد که در این زمینه، به خصوص در حوزه خراسان بزرگ وجود دارد. اهمیت دیگر این تحقیق، توجه به جنبه ادبی و سبک نگارش این تذکره است که علی رغم فتور و سستی نثر نویسی در دوره تیموریان، این کتاب با نثری بسیار روان آمیخته به نظم به شیوه ای استادانه و دلنشین به رشته تحریر درآمده است و از این حیث میتواند به عنوان یکی از نمونه های اعلاّی نثر نویسی در آن دوره به شمار آید. همچنین نکات مهم تاریخی و جغرافیایی این کتاب بسیار فراوان است، اما آنچه درباره سفر حج است، به اعتبار یک سفرنامه، ارزش و اهمیتی ویژه دارد، و شایان تحقیق و پژوهش است. همچنین زندگانی «کمال الدین حسین خوارزمی» و فرزندش «شریف الدین حسین» دو تن از عارفان گمنام سده دهم هجری قمری بر اساس متن تذکره «جاده العاشقین» بطور دقیق و مستند مورد بررسی قرار گرفته؛ و بدین ترتیب یک اثر عرفانی و دو عارف گمنام ایرانی را به دنیای عرفان و ادب می‌شناساند.

#### منابع و مراجع

- ۱- اصول تصوف، علی استخری، احسان الله، تهران: کانون معرفت، ۱۳۳۸، چ ۱.
- ۲- فهرست‌واره کتابهای فارسی، منزوی، احمد، تهران: مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۸۲، چ ۱.
- ۳- ینبوع الاسرار فی نصائح الابراز، تاج الدین حسین بن حسن خوارزمی، تصحیح و مقدمه مهدی درخشان، تهران: انتشارات انجمن استادان زبان و ادبیات فارسی، ۱۳۶۰، چ ۱.
- ۴- تاریخ ادبیات در ایران، صفا، ذبیح الله، تهران: انتشارات فردوس، ۱۳۸۳، چ ۱۱.
- ۵- \_\_\_\_\_ (خلاصه جلد چهارم). چ ۲، ۱۳۷۴.
- ۶- تاریخ تذکره های فارسی، گلچین معانی، احمد، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۵۰، چ ۱.
- ۷- تذکره الشعراء، دولت‌شاه سمرقندی، تصحیح محمد استعلامی، تهران: انتشارات کتابفروشی بارانی، بی تا.

- ۸- تذکرة الشعراء، مطربی سمرقندی، سلطان محمد، تحشیه و تعلیقات علی رفیعی علا مرودشتی، تهران: نشر میراث مکتوب، ۱۳۸۲، چ ۱.
- ۹- تذکرة مُذْکَر أَحباب، نثاری بخاری، حسن، تصحیح نجیب مایل هروی، تهران: نشر مرکز، ۱۳۷۷، چ ۱.
- ۱۰- دانش‌نامه ادب فارسی، ادب فارسی در آسیای میانه، به سرپرستی حسن انوشه، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۰، چ ۱.
- ۱۱- شرح فصوص الحکم، تاج‌الدین حسین بن حسن خوارزمی، به اهتمام نجیب مایل هروی، تهران: نشر مولی، ۱۳۶۴، چ ۱.

Archive of SID